



حقیقت انقلاب ثور

ادگان کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

شنبه ۱۸ جوزا
سال ۱۳۶۱
June 8, 1982
شماره ۲۲ سال دوم
شماره مسلسل ۲۷۵
د تاسیس کال ۱۳۵۹

گزارش شکر اختصار حقیقت انقلاب ثور از ولایت هرات گزارش می دهد :

مردم هرات دلیرانه از انقلاب دفاع مینمایند در هرات ۲۰ هزار متعلم مصروف آموزش اند



زحمتگشان هرات باستانی اکنون در فضای مصونیت و آرامش به فعالیت بوزمه می پردازند و در امراضاتمان جامعه نوین در کشور سهم می گیرند. (عکاسی حقیقت انقلاب ثور)

و قیمت گندم را ثابت نگه داشت و همچنان در این اواخر قیمت گندم ۱۴ فیصد تنزیل نموده است . . .
امیر محمد و غلام سخی دکانداران سابقه دارند و برنج و حبوبات راجع به وضع غریبه و فروش چنین تذکره دادند : . . . دولت مشکلات ما را از هر نگاه رفع می نماید و وسایل ترا - نسپورتی دولتی اموال خریداری شده ما را تا متولی می رساند . ما هم با آرامش خاطر به کار و روزگار خود ادامه می دهیم و از حزب و دولت خود خوشی و راضی هستیم . . .
چارسد و کاندلر متولی ارد شمن صحبت به ما گفت : . . . خرید و فروش بسیار خوب است و دکانهای ما همیشه بروی همسایران هرات باز است . حزب و دولت ما برقرار باشد، اشرار را که بخواهند برای مردم توشش ایجاد کنند از بین برده و آنها را به احوال تطبیبی نمی گذارد . . .

مسکین و سرکوب مینمایم . . .
یک منبع مسؤول تعلیم و تربیه هرات در مورد جریان تعلیم و تربیه ویستم دسی آنولایت چنین توضیحات داد : . . . در ولایت هرات علاوه بر مؤسسات عالی تعلیمی ، (۲۶۶) لیس و کتابخانه وجود دارد که در آن به تعداد بیست هزار متعلم مصروف آموزش اند . . .
متعلمین را (۱۵۰۰) فصلی تعلیم می کنند . سیستم د و سر در کتاب به اساس متود های جدید درسی پیش برده میشود که در نتیجه آن در سال ۱۳۶۰ از جمله ۳۷۵ فارغ صوف هوزدهم لیس های هرات که در کانون پوهنتون ، امتحان داده بودند ، همه آنها به پوهنتون کاپاب می افتد . . .

شادوال ولایت هرات در مورد وضع زندگی مردم آنها گردیدیم :
لواندن غارنوی ولایت هرات از تسلط نظامی در آنولایت به گزارشگر حقیقت انقلاب ثور چنین یاد آور شد : . . . با ایجاد پسته های امنیتی هم اکنون در ولایت هرات امنیت کامل تأمین و مردم به کار زندگی خویش ادامه می دهند ، آنها از هیچگونه همکاری و کمک بانبروهای امنیتی دریغ نودیده و در سر کوبی آخرین بقایای ضد انقلاب با حزب و دولت انقلابی سیم ولایت اطلاعات مؤثری را از محصل اختفای ضد انقلاب و دیو های سلاح آنها در اختیار مایکدارند و به اساس همین اطلاعات ، ما آنها را به اسانی

ما هم دین بزم سرود و شادی مردم هرات شرکت نمودیم و جویای وضع زندگی مردم آنها گردیدیم :
لواندن غارنوی ولایت هرات از تسلط نظامی در آنولایت به گزارشگر حقیقت انقلاب ثور چنین یاد آور شد : . . . با ایجاد پسته های امنیتی هم اکنون در ولایت هرات امنیت کامل تأمین و مردم به کار زندگی خویش ادامه می دهند ، آنها از هیچگونه همکاری و کمک بانبروهای امنیتی دریغ نودیده و در سر کوبی آخرین بقایای ضد انقلاب با حزب و دولت انقلابی سیم ولایت اطلاعات مؤثری را از محصل اختفای ضد انقلاب و دیو های سلاح آنها در اختیار مایکدارند و به اساس همین اطلاعات ، ما آنها را به اسانی

وادی هلمند پروژه بین المللی آبشار تاریخی مصروف فعالیت اند و پروژه هالیکه عنقریب تکمیل خواهد گردید عیارند از پروژه ساختمانی اسوتر در تور غندی ، لایبریکه سمت در پل هاشمی ، پروژه فامیلی های نساجی شفاخانه منطقهی دوسد بستره لایبریکه نساجی دپل پشتون ، ساختمان گمرک جدید ، هتل اسلام قلعه و بند سلما علاوه بر این ساختمانها ، بخاطر ترمیم آثار و ابدات تاریخی چون قلعه اختیار الدین زیارت خواجه عبدالله انصار و غیره نیز کار ادامه دارد که این کار نشان دهنده توجه هر چه بیشتر حزب و دولت انقلابی به اشغالات گرانمایه ما میباشد .
(ریدی ژواک و جمال الدین)

و ملا سید عبدالرسول مسکونه شیر خان زیارتگاه و کسوالی کلمه که امامت مسجد ابوالولید شهر هرات را داشت آنها را بیرحانه بشکل بسیار فجیع شید ساخته . گناه آنها رهنمای مردم براه حق و لغت به وطن بود !
اشرار صد ها عمل ضد اسلامی و خلاف انسانیت را انجام می دهند ، آنها مسلمان نیستند بلکه دشمن اسلام اند ، حزب و دولت انقلابی ما آنها را از بین بردند . . .
کارهای ساختمانی در ولایت هرات به همکاری مردم زحمتکش آن ولایت بدون وقفه ادامه دارد و به اساس پلانهای انکشافی دولت انقلابی در ولایت هرات دستگاه های ساختمانی افغانی ، ساختمانی بنایی ، ساختمانی

مساجد و اماکن مقدسه کمک نموده که در نتیجه همین کمک مسجد خواجه محمد تکی مربوط ناحیه چهارم شادوالی و مسجد نوانی مربوط ناحیه پنجم شادوالی که از طرف اشرار تحریک شده بود ، دوباره ترمیم و همچنان مسجد جامع شهر هرات و زیارت خواجه عبدالله انصاری مجدداً ترمیم گردیده است . بایسد تذکر داد که اشرار بر ضد اسلامیت و شریعت عمل میکنند آنها روحانیون و علمای بزرگ را به شهادت می رساند چنانچه مولوی عبدالرشید مشهور به اخوند ملا شیرو ، روحانی هشتاد ساله را که پنجاه سال عمر خود را در راه خدمت به مردم و تدریس علوم دینی گذرانیده و ملا امام میر آباد ولسوالی پشتون زبون بود

اینبار ما داهی شهر باستانی هرات شدیم . این شهر زیبا و رود مهمانان را خیر مقدم میگوید . شکوه جلال ، شود و نوحه بیشتر از پیش فضای شهر را فرا گرفته بود ، اهالی شهر هر یک در اجرای کار های روز مره شان از د بگری سبقت می جسته ، دکانچه های سیار در کنار جاده ها صف اراتی کرده بود و متاع خویش را به مردم عرضه میکرد . آهنگ و نوای سرود و شادی از هر گوشه و هر یسه شهر بگوش می رسید .
بر فراز بلند نای برج های قلعه اختیار الدین ، بالا حصارشورواته با غرافات و زیبایی خاص ، توجه هر بیننده را جلب می کرد . شکست و ریخت این قلعه باستانی با کار هنر آفرین معماران هرات ترمیم شده و یاد این قلعه زیبا را که سالیانی از خاطر ها زنده میساخت ، نه چندان دور از قلعه ، چهار منار شهر هرات نمایان بود ، این منار ها در همه جا معروف اند و با شش منار ، هر کسی یاد شیر زیبایی هرات می افتد .

شانزده فیصد ارزش در حاصلات فارمهای وادی ننگر هرات

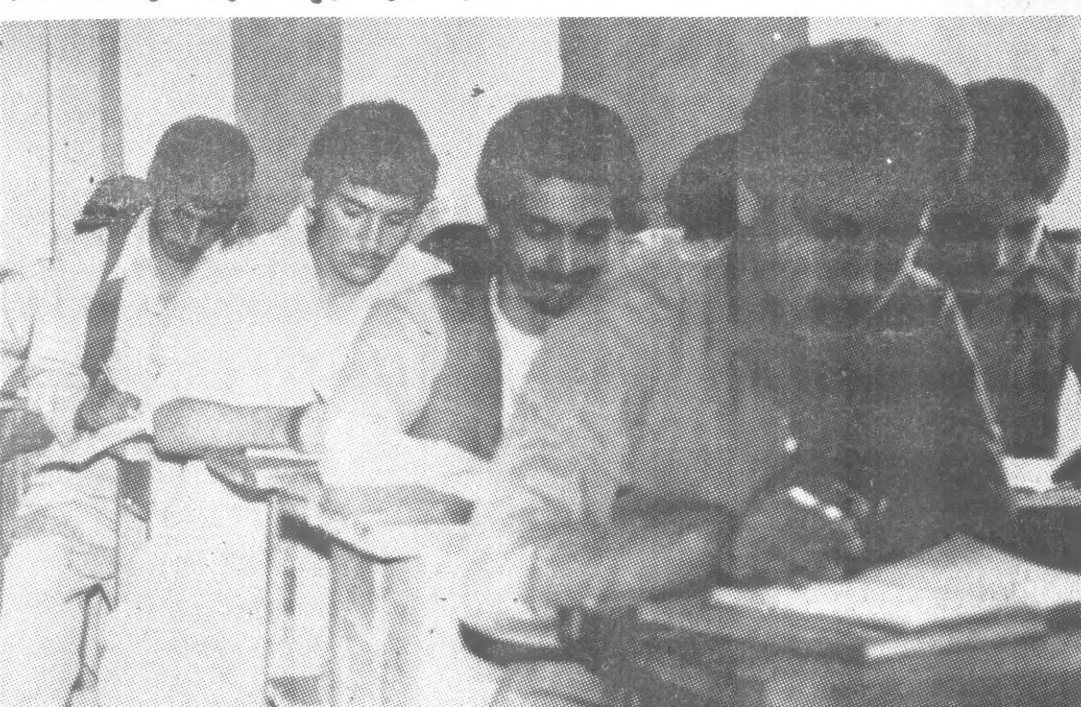
اضافه از هشت صدو نود تن گندم و جو امسال از فارمهای میکانیزه پروژه انکشاف وادی ننگر هرات حاصل بر - داشته شده است .
یک منبع پروژه انکشاف وادی ننگر هرات گفت : در فارمهای میکانیزه نمبر دوو نمبر چهار و غازی آبادم - بوپ آن پروژ مدرسه هفتصد و شصت هکتار زمین گندم و جو ذرع گردیده بود که از آن پنجاه و شصت و پنج تن گندم و سه صدو - بیست و پنج اعشاریه پنج تن جو حاصل گرفته شده است .

در تولیدات گندم و جو این فارمها نظر به پلان پیشبینی شده شانزده فیصد افزایش بعمل آمده است .
طبق خبر دیگران ز فعالیت و زحمتگشان هرات و متوسل بین فارمهای متذکره که درواز دید حاصلات گندم و جو پروژه از خود تبارز نشان داده بودند طی گرد های سی در فارم غازی آباد تجمیع بعمل آمده و به آنها تحایلی توزیع گردید .

صد ها جوان در هرات به لوی مسلح پیوستند

بخاطر با ستادی و دفاع از وطن و دست آورد های انقلاب ثور بخصوس هر حله نوین و تکاملی آن بیش از دو صد نفر از جوانان آگاه و وطن پرست شهر هرات طی چند روز گذشته در کمیته ری قضا می آن ولایت ثبت نام نموده و به صفوف لوی مسلح و غار نسوی پیوستند .

این جوانان هنگام ثبت نام اعمال خاینا نه بانه های اشرار را محکوم نموده تمهید سیردند که تا آخرین نفس علیه این بانه ها می رزمند . طبق یک خبر دیگر یکصد و هشتاد جوانان و لوسالی ادرکن اخیرا به صورت داوطلبانه در آن و لوسالی در صفوف لوی غار نسوی تنظیم گردیدند .
(ب)



جوانان در کتاب و آموزشگاههای شهر هرات مشغول فراگیری دانش اند. (عکاسی حقیقت انقلاب ثور)

دومین پلینوم کمیته ملی جبهه ملی پدر وطن

دومین پلینوم کمیته ملی جبهه ملی پدروطن جمهوری دموکراتیک افغانستان قبل از ظهر دیروز با بخش سرود ملی جمهوری دموکراتیک افغانستان در مقر آن کمیته گشایش یافت .
بعد از انتخاب هیئت و نیشه و راهی گیری روی آن ، گزارش اساسی بیرومون کارو فعالیت های کمیته ملی جبهه ملی پدروطن از تدویر کنفره مؤسس تاکنون توسط رفیق دو کتور صالح محمدزیری عضو بیروی سیاسی و منشی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رئیس کمیته ملی جبهه ملی پدروطن فرانت گردید .
درین گزارش ضمن ارائه فعالیت های

کمیته ملی جبهه ملی پدر وطن بطور کل مشخص گردیده و از آنها خواسته شده است تا همه نیرو های ملی ، صديق ، وطن پرست و ترقيخواه کشور در یک صف فشرده و وسیع بسیج گردیده در راه رفاه و خوشبختی وطن ، تکمیل امنیت و نابودی بانه های فرستاده شده و اجیر ، مبارزه بر امان و پیگیری نمایند .
در مراسم گشایش دو مین پلینوم کمیته ملی جبهه ملی پدروطن بعضی از اعضای بیروی سیاسی ، منشی ها و اعضای کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان عمدی از اعضای شورای

انقلابی و شورای زیران ، کادر ها و فعالین حزبی ، روسا و اعضای هیئت های اجرایی سازمانهای اجتماعی و اتحادیه های صنفی و اعضای کمیته ملی جبهه ملی پدروطن اشتراک ورزیده بودند .
بعد از ایراد بیانیه اساسی ستار پردلی در نیش شورای مرکزی اتحادیه های صنفی افغانستان ، عبدالغفار لکنوال رئیس شورای کو برائیل های دهقانی ، فریدمزدلا منشی کمیته مرکزی س.د.ج.ا. دل جان عضو هیات اجرایی س.د.ج.ا. د و کتور سعید افغانی معاون کمیته ملی جبهه ملی پدروطن و رئیس عمومی نشوون اسلامی و کوان

پیام تسلیت

پیام آتی از طرف کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان عنوانی حزب سوسیالیست متحد ه آلمان به مناسبت درگذشت البرت نوردن به برلین میا بره گردیده است :
رفقای عزیز و گرامی !
بانهایت تأسف خبر درگذشت رفیق البرت نوردن عضو سابق بیروی سوسیالیست کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان ، عضو شورای دولتی جمهوری دموکراتیک آلمان ، عضو هیات رتبه شورا ای ملی جبهه ملی جمهوری دموکراتیک آلمان و عضو شورای جبهه ملی خلق افغانستان به نهایت می اتمام اعضای حزب و مردم زحمتکش و انقلابی افغانستان این ضایعه بزرگ را به کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان و تمام خلق های صلح دوست و ترقی خواه آلمان دموکراتیک تسلیت صمیمی خود را ابراز میدارد .
(ب)

از خالده بر مکی گرامیستاداشت

جلسه مقدما تی تدویر سیمینار خالد بر مکی بمناز ظهر ۱۵ جوزا در سالن وزارت اطلاعات و کلتور آغاز گردید .
درین جلسه پیرامون بر گزارش و چگونگی تدویر سیمینار متذکره بحث صورت گرفت و تصامیمی در زمینه انتخاب شد .
مطابق فیصله شورای و زیران جمهوری دموکراتیک افغانستان مورخ یازده اسد سال ۱۳۵۹ سیمینار یاد بود هزارو دو صدو مین سال ولایت خالده بر مکی و زیر معروف دور عباسی ها یکی از رجال سیاسی و فرهنگی کشور به تاریخ بیست و چهارم ماه جاری در کابل دایر می گردد .
(ب)

در صفحات بعدی

- (ص ۳) همسازمان دهی
- (ص ۳) حقایق گواهی میدهد
- (ص ۳) تبلیغات امیر بالیستی و سیدک دیکانسیسم و اهداف های آن
- (ص ۵) (ب)

زندگی حزبی

رهبر کارگران جهان سازمانده می. و رهبری یک سازمان را «هنر» مینامند که لازمه آن گردآوری تجربه داشتن شمس و قریحه، اندیشه و عمل ظریف و حساس باشد. شور و هیجان، قدرت ابداع و آفرینندگی، نیروی دید و نگردن و یافتنهای مبتکرانه است. در نوشته های رهبر کارگران جهان بر میخوریم به تشبیه سازمان به آرکستر و رهبری سازمان به رهبری آرکستر. این تشبیه عمیق و پر مضمونی است، زیرا همان طوری که برای یک آرکستر، تنوع نوازندگان ضرورت است، در سازمان نیز تنوع استعدادها، تنوع وظایف ضرورت است. رهبر آرکستر نمیتواند بگوید که مثلاً من فقط ویلن یا پیانو را دوست دارم و فلان آله دیگر موسیقیرانی خواهم بلکه او باید بتواند از تمام آلات موسیقی و از همه نوازندگان آنها، هر یک در جای خود، بدرستی استفاده کند. فقط زمانی استفاده صحیح از همه نوازندگان میسر است که آرکستر بدانند چه باید بنوازند و برای این نوازندگی تعلیم و تجربه

هنر سازماندهی (از اندیشه های پیشرو عصر ما)

و تمرین لازم را دیده باشد. درست بهمین ترتیب یک سازمان زمانی میتواند از اعضای خود و استعدادهای مختلف آنها بدرستی استفاده کند که مشی و نقشه و عمل روشنی داشته باشد و اعضای سازمان مذکور نیز به صحت این مشی و نقشه عمل معتقد و باورمند شوند و برای تحقق آن تجارب لازم را کسب کرده باشند. اگر نتواند هائی بسرای نوازندگی موجود نباشد و نوازندگان بر حسب نوازندگی دستور رهبر آرکستر را اجرا نکنند. بناچار اجتماع مشی آلات مختلف نوازندگی، چیزی جز غوغای گوشخراش و کژ آهنگی پدید نمی آید. بهمین ترتیب اگر برنامه و مشی و نقشه عمل سازمان در دست باشد و اعضای حزب انضباط و مرکزیت را در مورد اجرای رهنمودهای رهبری سازمان در نظر نگیرند، چیزی جز جنجال، اختلاف و تناقضات درونی و گسستگی صفوف

مبارزه حاصل نمیشود. رهبر کارگران جهان یادآور میشود که در صورت وجود یک آرکستر خوب تنظیم شده که همه شرایط را واجد باشد، آنگاه بسا «رهبری نرم» میتواند سفوفی خوش آهنگ را اجرا کرد و احتیاجی نیست که رهبر آرکستر دائماً عصای رهبری را بر چوبه جایگاه خود بکوبد و دمدم آرکستر را با عصا نیت قطع کند. در سازمان نیز مطلب بهمین قرار است. در صورت وجود شرایط: مشی صحیح، رهبری لایق و کادرهای ورزیده، اجرای اصل مرکزیت و حفظ انضباط تقریباً به صورت خود بخودی در می آید و به امری بدیهی بدل میشود و کار به تناقضات و مشاجرات درونی نمیشود. تشبیه سازمان به آرکستر نشان میدهد که وجود افرادی با استعداد و لذا با وظایف و تقسیم کار مختلف در سازمان نه فقط مجاز است،

باشد لذا همان طور که رهبر آرکستر، چنانکه در آغاز این مقال گفتیم، مضحک است اگر ویلن زن یا پیانو نواز را مطلق کند و شیپو بر زن و یا نی نواز را انکار نماید، همان طور یک سازمانده و رهبر حزب بسی مضحک است اگر نوع معینی کار و استعداد را بیسند و نوع دیگری از کار و استعداد را منکر شود و نفی کند و یا ادارا که نمایند که هر استعدادی در جای خود، در وقت خود، میتواند خدمت را انجام دهد که از عهده استعداد دیگر بر نمی آید. تمام هنر، در رهبری برم از مجموع استعداد های متنوع برای ایجاد آرکستر خوش آهنگ یک پیکار ممتد و انقلابی است.

● ● ● «سیاست، علمی است، هنری است که از آسمان نازل نمیشود و در سرشت و فطرت انسان ها نیست و پرولتاریا، اگر خواستار فتح پرولتوازی است، باید «سیاستمداران طبقه ای» خاص خود را پرورش دهد، یعنی سیاستمداران که از سیاستمداران پرولتاریا بدتر نباشد.» رهبر کارگران جهان کلیات سبیل سید و یک صفحه سودمند، کارا و ثمر بخش



شور و شادی اهالی و لسانی ده سبز در جریان مارش شکوهند پس از توزیع اسناد ملکیت زمین به دهقانان (عکاسی حقیقت انقلاب نور)

در ولسوالی ده سبز:

توزیع زمین به ۴۸ خانوار دهقانان

به ادا مه تطبیق هر حله دوم اصلاحات عادلانه و دموکراتیک از غمی و آب، قبل از ظهر شنبه پانزدهم جو را در ولسوالی ده سبز طی مراسمی به یکصد دهقانان اسناد ملکیت زمین آنها توزیع گردید. درین مراسم که علاوه از مردم شریف قریه خیل، قابل بای، ده یخی، یکله، توت، بختیاران، خواجه چاشت و هرد خیل مربوط ولسوالی ده سبز، هیات سازمان آزادی انگلستان و یکتهداد مسوولین حزبی دولتی نیز اشتراک و رزیده بودند در آغاز مراسم رئیس شورای مرکزی کوپرا تیف های زراعتی و معین اصلاحات از غمی طی بیانیه ای گفت:

«امروز از برکت پیروزی هر حله نوین انقلاب نور و نوین و تکاملی انقلاب نور مردم از تاریکی و ظلمت نجات یافته اند. ما دهقانان ولسوالی ده سبز حالا به چشم سر می بینیم که حزب دولت بخاطر ما کار میکند و مسرور هستیم که سند ملکیت زمین را امروز بدست می آوریم.»

همچنان در این محفل ای ژیلبرت رئیس هیات سازمان آزادی انگلستان که مصروف باز دید از افغانستان می باشد بیانیه ایراد نمود و گفت:

«زمین و آب به کسانی که مستحقین واقعی آن است توزیع میگردد. ما میگوئیم که: مردم زحمتکش افغانستان از جمله دهقانان شرافتمند کشور با حفظ عقاید، عنعنات و رسوم خود از حزب، انقلاب و دست آوردهای آن که توزیع ملکیت زمین جز آن است قهرمانان و دلایر آنه دفاع مینمایند.»

پس از آن محمد اسحق یکی از دهقانان قریه هردخیل که عضو کوپرا تیف دهقانی آن ولسوالی نیز میباشد گفت:

«در روشنائی هر حله نوین و تکاملی انقلاب نور مردم از تاریکی و ظلمت نجات یافته اند. ما دهقانان ولسوالی ده سبز حالا به چشم سر می بینیم که حزب دولت بخاطر ما کار میکند و مسرور هستیم که سند ملکیت زمین را امروز بدست می آوریم.»

همچنان در این محفل ای ژیلبرت رئیس هیات سازمان آزادی انگلستان که مصروف باز دید از افغانستان می باشد بیانیه ایراد نمود و گفت:

خود تا پای جان دفاع می کنم.»

یک منبع شورای کوپرا-پرا تیف های دهقانان ولسوالی ده سبز طی مصافحه ای به خبرنگار حقیقت انقلاب نور گفت:

«از اول حملات بیست و هشت نور امسال شور و کوبرا تیف های دهقانان ولسوالی ده سبز هشتصد و سی و یک خریطه کود یوریا، سه صد و شصت و سه خریطه کود تی، اس، بی، دوسد و پنجاه و نه خریطه سلفر توزیع شده است.»

منبع افزود که تا حال در ولسوالی ده سبز چهار کوپرا تیف فعال وجود دارد که تعداد اعضای آن به بیشتر از دوسد نفر میرسد. «شهباز خبرنگار»



عده از دهقانان ولسوالی ده سبز پس از دریافت سند ملکیت زمین (عکاسی حقیقت انقلاب نور)

جنازه مرحوم استاد سر آهنگ محترمانه به خاک سپرده شد

جنازه مرحوم استاد محمد حسین سر آهنگ بابای موسیقی بعد از ظهر ۱۶ جوزا با احترام و اکرام خاص در شبهای صالحین به خاک سپرده شد.

در مراسم تشییع و تدفین جنازه استاد سر آهنگ رفیق نام محمد دهشتین عضو کمیته مرکزی و رئیس شعبه تبلیغ، ترویج و آموزش کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، دکتر خلیل احمد ابوی معاون شورای وزیران و چمبرسوی دموکراتیک افغانستان، رفیق سلیمان لایق وزیر امور اقوام و قبایل و معاون کمیته ملی جبهه ملی پدمون رفیق باری شفیعی عضو کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و هیات اجرایی اتحادیه های زورناستان، نویسنده های هنر و هنرمندان چمبرسوی دموکراتیک افغانستان، دموکراتیک افغانستان، ما مودین عالیترتبه دولتی، عسکری از هنرمندان و علاقمندان مرحومی اشتراک و پذیرفته بودند.

در مراسم تشییع جنازه مرحوم استاد سر آهنگ دکتر ابوی نخست براتپ تائوت عمیق و تسلیت رفیق سلطان علی گشتمند عضو پیرو سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای وزیران چمبرسوی دموکراتیک افغانستان و همچنان براتپ تسلیت عمیق شورای وزیران چمبرسوی دموکراتیک افغانستان را به خانواده مرحوم سر آهنگ و همه دوستان و علاقمندان وی ابراز کرد.

معاون شورای وزیران گفت: «مرکز استاد سر آهنگ سر تاج موسیقی و بابای موسیقی نه تنها در حلقه های هنری کشور ما، بلکه در محیط هنری منطقه یک ضایعه بزرگ و بزرگوار می باشد. استاد سر آهنگ در طی چهل سال که در خدمت مردم بهیت یک

حزب دموکراتیک خلق افغانستان نیروی رهبری کننده و جهت دهنده جامعه ما، مدافع پیگیر و سر سخت منافع واقعی طبقه کارگر و زحمتکشان کشور بوده بر پایه انطباق خلق اصول تیوری علمی انقلابی و برنامه های که براساس این آموزش و تجربه حزب ما علمای تنظیم شده است کارویکار آنها نه توده های وسیع مردم مارا در راه ساختن جامعه فارغ از بهره کشی فرد از فرد و آزاد از تناقضات طبقاتی و بهره ور از سطح عالی زندگی مادی و معنوی، رهبری مینماید. (اساسنامه حزب دموکراتیک خلق افغانستان)



عده از دهقانان ولسوالی ده سبز پس از دریافت سند ملکیت زمین (عکاسی حقیقت انقلاب نور)

گام مهم در جهت پیشرفت کشور

سر بازان قوای مسلح در پاکسازی و تسوایی نجشیر از وجود ضد انقلاب
مانانه سهم گرفتند.

«مو»

يك منبع قوای امنیتی و لایست
فاریاب گفت از نزد این ها سلاح
متنوع و مقدار زیاد مرمی بدست
قوای امنیتی افتاده است .

بل دوستی، کام سے زینہ زد عصبہ و قلب القصار میں

مردم ز حمتکش پنجشیر همراه با قوای مسلح قهرمان ج.د.ا. مشت کوبنده را بر فرق ضدانقلاب وارد نمودند .

آباد و یاد هلی نو اقامت
گزیده اند ، به کمکش
مشتابند : او دروغش را
میگوید و به سادگی آغای
دیپلمات غریبی را شاهد
می آورد . مثلاً در حالیکه

« به گفته منابع دیپلماتیک
غربی، » « به گفته دیپلمات
های غربی، » « دیپلماتهای
غربی میگویند، » « به نقل از
منابع دیپلماتیک، » کمپانیست
که درین اواخر دروغ را از
غرب در تبلیغات خود علیه
انقلاب، وطن و مردم مافراوان
نشر می‌کنند. هر آنجاییکه
پای دروغ « ژورنالست »
انگلیس و یا امریکایی در گل
فرو رفت، این « منابع
دیپلماتیک، » که گویا در اسلام
آباد و یا دهلی نو اقامت
گزیده اند، به کمکش
میشتابند: او دروغش را
میگوید و به سادگی آغای
دیپلمات غربی را شام
می‌آورد. مثلاً در حالیکه

وزیر محمد در آن شهر تنها نبود. تعداد زیادی مانند او بدان سر نوشت غم انگیز گرفتار بودند. تنها در محل محقق بود و باش و ی چهارده افغان دیگر نیز سکو نت داشتند که حاصل کارشان بیرحمانه به یغما برده میشد. آنان نه تنها همه آنچه را به دست میآوردند تسلیم «خزانة» محمدی و امثال او میکردند بلکه محکوم به گرسنگی و برهنگی نیز بودند. به گفته وزیر محمد آنان بایست برای ادا مه زندگمی بهداری خود دستبرد میزدند و از مزخود «دزدی» میکردند.

حادثه تقریباً دو سال و پنج ماه قبل اتفاق افتاد . شب از نیمه گذشته بود که مشتری دزد و آدمکش آرامش قریه «گست» و لسوالی قلعه گاه (ولایت فراه) را برهم زدند . به خانه ها ریختند و تنی چند از باشندگان آن قریه ، از جمله وزیر محمد را با خود بردند . ضجه و ناله مآدر سالخورده وی نتیجه یی نداد . اشرار قریه را ترك گفتند و از اشرار ، بریزد .

راه احتمالی شده بود باور نمی-
نمود چنین ساده نجات یا فقه
باشد. هر چند از وطن و کال-
شانه اش دور شده بود ولی
حد اقل میتوانست مدتی کار
کند و مزدی به دست آورد
اما فردای آن، در نخستین
روز کارش، با تلخی دریافت
که خام اندیشیده است، در
می گرفتار شده که هرگز
ندان فکر نکرده بود. او مجبور
بود جان بکند، عرق بریزد و
در پایان روز آنچه را به عنوان

شورای امنیت خواستار قطع
فوری مخاصمات اسرائیل با لبنان شد

آمن باپراشو ت از طرف جازو یسن
فلسطین دستگیر گردیده است .
به گزارش شی پی تی کا از بیروت
در اتی حمله طیارات قوای موا
اسرائیل مجروحان شصت تن جان خود
را از دست داده و در حدود سه صد
نفر زخمی گردیده اند که به شفاخانه
انتقال داده شده اند .
دوین گفته شده گمان و محسوس
شدگان چنده هزار تن است بخارجی
شماره ها می باشد .

طیارات اسرائیل نه تنها بیروت
را مورد بمبارد قرار داده بلکه مناطق
زیادی را در جنوب لبنان واقع در بین
صیدا و نبطیه نیز مورد بمبارد قرار
داده است .
(ب)

ایک گاہ های نظامی ایالات

تَبْلِیغاً

چارلز سیلی فیلس
امریکا بی در آغاز سال
۵۰ یاد آور میشد که
داری معا صر بدون «
تبلیغاتی فوق العاده»
که هدف از آن «گمراه
و ترساندن» مردم
نمیتوانست پایدار بماند
از قام و اطلاعات زبرد
زرد خانه و سایل تبلیغ
آن برای شنودگان خاص
بر این گواهی میدهد
سر مایه داری در حال
چه مساعی در این رشته
می برد .

بیش از ۵ هزار ای
رادیو که در نقاط مخت
جهان مستقر گردیده بر
های «صدای آمریکا» ر
طول مدت انتشار آنها
۳۸ زبان به ۸۲۲ ساعت
هفته میرسد بخش می

قهرمانان در آغوش مردم

و سیم مردم را با حزب و دولت انقلابی و اردوی قهرمانان مبارز میهند ، آنها قصه های داند و راز های که بی هراسی آنرا با صلوات با صمیمی ترین دوستان خویش یعنی سربازان ، خرد ضابطان و افسران پیکار جو و انقلابی در میان می گذارند .

بگذار امیر لیزم جنون آمیز ، فریادزند ، ملایر ها دالر را به خاطر استعمار واقعیت ها مصرف کنند بگذار جیره خوردان امیر لیزم با ادعا های دروغین خویش همد بوحانه تلاش کنند اذهان مردم را مفسد سازند اما واقعیت آشکار است و آن اینکه انقلاب به پیش میرود و خس و خاشاک را از مسیر خویش از بین میرد .

«پیشتان»



سربازان و افسران فرقه یازدهم حین گذر از منطقه ای در نزدیکی آستانه و سواهی پنجشیر .

ایالات متحده آمریکا بزرگترین فروشنده وسایل نظامی

حکومت ریکن جهت کسب تفوق نظامی ، تو سعه و تحکیم قوای مسلح این کشور همیشه به صدور اسلحه و کمک های وسیع نظامی و اقتصادی به کشورهای غربی فدار از خود بخصوص در شرق میان و اروپای غربی پرداخته است .

طی دهه هفتاد عربستان سعودی به ارزش ۳۵ میلیارد دالر ، ایران ۱۴ میلیارد دالر مصر ، نایدرلند ، تایوان و جاپان هر کدام سه میلیارد دالر ، اسرائیل ۱۱ میلیارد دالر ، بریتانیا ، آلمان غرب و کوریا ی جنوبی هر کدام پنج میلیارد دالر از ایالات متحده آمریکا سلاح و وسایل نظامی خریداری نموده اند .

نظر به احصایه های دست داشته ، سهم ایالات متحده آمریکا در فروش اسلحه ۴۵ درصد و از سایر کشورهای عضو پیمان نا تو ۲۰ درصد را در جهان تشکیل میدهد .

عمده ترین وسایل نظامی که ایالات متحده آمریکا به فروش رسانیده عبارت است از طیاره جنگی اف ۱۴ ، اف ۱۵ و اف ۱۶ ، راکت های تکتیکی لانس و پریو انواع مختلف تا تکپا .

پنتاگون در اواخر سال ۱۹۸۰ در حدود ۱۰۰۰ طیاره و هلیکوپتر ، ۱۵۰ کشتی جنگی و کمکی ۱۱۰۰ تانک ، ۴۲۰۰ واسطه ترانسپورتی زر هدار ۱۵۰۰ میل توپ صحرایی ، ۱۱۰۰۰ نوع راکت های مختلف النوع به ارزش ۵۶ میلیارد دالر طبق معا هدا ت قبلی به آنها تسلیم میدهد .

محافل قصر سفید نه تنها در تجهیز و تقویت نظامی کشورهای طرفدار استراتژی نظامی گرانه ایالات متحده آمریکا میکوشد بلکه در صدور این هم است که از قوای مسلح این کشور ها در تقویت نیرو های واکنش سریع استفاده نماید .

اینبار پنجشیر ، این دره سر سبز کو هستانی شاهد حماسه های پرافتخار و غرور آفرین دلیر مردان و رزمندگان اردوی قهرمان و مردم ما بود ، پنجشیر ، جایی که ضد انقلاب در آن آشپا نه کرد و چون رهنمای و دزدان بر قریه جات و دهات میریختند ، و مال و دارایی مردم شریف پنجشیر را غارت می کردند ، ما دران رادر مصیبت مرگ نا بهنگام جگر گوشه گان شان داغ دیده می ساختند .

اشرار شرارت پیشه در پنجشیر برای همیشه نابود شدند . آخرین بقایای آنها در هم کوبیده شده و تمام قرا و قصبات پنجشیر از تجاوز و چپاول این چالانان مصون گردید .

قهرمانان اردوی ما مردم زحمتکش و عذاب دیده مارا از ترس و وحشت نجات دادند سپاس بر این قهرمانان و حماسه آفرین ، که حماسه

خبر نظامی

از آتمه سر باز ان کند های او پرا تیلی ، کوهی و منطقه منتظره غارنوی ولایت سمنگان که در برابر دشمنان انقلاب ، مردم و وطن عزیز از خود قهرمانی نشان داده اند اخیرا با توزیع تها یسف تقدیر بعمل آمد .

در محلیکه بدین مناسبت در قرارگاه کندک او پرا تیلی بر گزار گردید آمر عمومی امنیت و زوات داخله صحت نموده و از شجاعت و دلیری سربازان و افسران در مقابل اشرا و سرکوبی آنها با قهرمانی یاد آور شد .

درین محل منشی کمیته ولایتی و همچنان والی سمنگان شرکت داشتند . (ب)

حزب ، مردم و قوای مسلح با هم اند

مربازان قهرمان

به پاس قهرمانی ها

یکی از رفقای سر باز عقیده داشت با اجرائی آتش دوامدار باید ما نور . جناحی مو ضح دشمن را از پا در آوریم . دو تن دیگر به این نظریه بودند که باید از جناح بر دشمن تعرض کنیم .



چالاش سرباز قوای سرحدی ارگون

به رتبه افسری ارتقا نموده است . با استفاده از عوارض اراضی به تعرض ادا مه دادیم و بر سر دشمن رسا نیدیم ، مشا همه کردم که عده زیادی از آنها بقتل رسیده اند بقیه که زنده مانده بودند دستان شان را بالا کردند و تسلیم شدند . باید بگویم که استفاده درست از تکتیک نه تنها در اجرای این وظیفه بلکه در تمام فعالیت های محاربه ای صرا کمک کرده است .

از چهره پر غرور و باوقار رش ، از عظمت اراده پولادین و خا راییش پیدا ست که ضمیر ، وجدانش عقل و خردش با آرمانهای انقلاب پیوند یافته و قتی با او مقابله کردیم و باب سخن گشودم متوجه شدم که جلدش ، این قهرمان آشتی نا پذیر با ضد انقلاب ، تا آخرین پیروزی بردشمن سلاحش را بدست خواهد داشت و آنرا مانند شرف و حیثیتش محافظت خواهد کرد .

از وی در مورد یکی از فعالیت های محاربه ای اش میپرسم . بعد از مکث کوتاهی در پاسخ میگوید : من و رفقای همواره شجاعانه در فعالیت های محاربه ای اشتراک نموده ایم . ماه ها قبل در یکی از فعالیت های محاربه ای در منطقه ارگون ، جزو تام ما مو ظف بود تا بر محلات مقاومت دشمن تعرض نماید بعد از محاکمه و ضعیف دانستیم که دشمن قبلا درین محلات جا بجاشده و ماشیندار های خود را هم داخل موضع کرده اند . ما و وظیفه داشتیم تا بر دشمن تعرض نماییم .

سال تعلیمی جدیدی در بی شونوئی آغاز یافت

۱۱ جوزا در حر بی شونوئی محل با شکو می به مناسبت آغاز سال تعلیمی جدید بر گزار شد . درین محل دستیار اول حر بی شونوئی گزارش اساسی مهمل را ایراد نموده کمبودی ها و نواقص سال تعلیمی گذشته را یکا یک بازگو نموده مسئولین امور را بخوجه رفع این کمبودی ها نمود .

بعدا امر سیاسی ح . بی به نمایندگی از کارکنان سیاسی این دوسه تعلیمات ارتقای تعلیمات را به صورت با اتر به شامردن و استادن زحمت کشی تبریک گفته و وظایف مسئولیت های آنها را در سال جدید تعلیمی تفصیلا توضیح داد .

بعلا یکن از متعلمین جدید - دانشمندان حر بی شونوئی از شمولش در حر بی شونوئی به نمایندگی از همه جدید الشمولان اظهار خوشنودی نموده . تصدیق نمود ، بر طالع مطربن و رزمجویان از دست آورد های انقلاب تجدید حرمه شعار طرح نموده سال جدید تعلیمی را قایده و به خاطر تطبیق و فیهله های کنترلس بر تاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان تایید و موافقت کامل و تشی تجدید پیمان نمود .

مهمل با اجرای مارش و دادن این شعار :

از دست آورد های انقلاب نور ورم حله نوین نا ت پای جهان دفاع میکنیم . پایان یافت .

نژاد سرگرم اختصاصی ح . ا . ن . ع . حازم



عمر از محصلین پوهنتون هوائی و مدافعه هوائی حین فرامیگیری د روس مطایره بی سیم با استفاده از شیوه مودس

اسلحه کیمیاوی و اثرات مرگبار آن

همین معلوما ت باید یاد آور شد که کشنده ترین اسلحه کیمیاوی که از طرف ایالات متحده آمریکا اختراع شده به نام « جی . بی » یاد می شود که آنرا « اسلحه مضاعف کیمیاوی » نیز میگویند . ساختن این اسلحه طوریست که دو ماده کیمیاوی به داخل یک محفظه که در ماهیت خود به کیمیاوی است طوری جابجا می شود که پرده نازک آنها را از هم جدا نکند و وقتی به تیر تا ب مسموم گردد در نتیجه حرکت دورانی آن که بسیار هم زیاد است پرده نازک از بین رفته ، هر دو ماده کیمیاوی با هم یکجا می شود و از ترکیب آن کشنده ترین گاز مسموم کننده اعصاب بوجود می آید . به قتی بالای هر دو ف می رسد چاشنی آن به فعالیت آغاز نموده به مفعول میسازد و در نتیجه مواد کیمیاوی ابر مانندی بالای عین ف فرود می آید . تصور

ما در کشور انقلابی خود شاهد آن بودیم که ایالات متحده آمریکا درموازات با جنایات دیگری ، از طریق مزدوران و اجیران خود علیه مردم بی گناه ، صلح خواه و از بند رسته ها از اسلحه کیمیاوی هم کار گرفت که حزب و دولت انقلابی ما این جنایات بزرگ را با اراده نمونه ها و شواهد به وقت و زمان آن افشاء نمود .

در ارتباط با اسلحه مدرن کیمیاوی و اثرات ناشی از استعمال آن دو نامه هم از خوانندگان محترم داریم و این بطور نشر ده در مورد معلوما ت ارا ثه میداریم :

بار اول در جنگ عمومی اول جهانی (۱۹۱۸ - ۱۹۱۴) بر حسب هدا یت ، مقاما ت بانده نا به دولت آلمان اسلحه مسموم کنند . کیمیاوی در ناحیه وردن مورد استعمال قرار گرفت ، اسناد که به اثر این حمله کیمیاوی

های غربی و از جمله متخصصین انگلیس اسلحه کیمیاوی پیشرفته امروزی را « اسلحه تکتیکی » و « اسلحه کمتر خطرناک » می خوانند و چنین استدلال می کنند که « گاز های سمی کیمیاوی به نسبت تغییرات سریع حرکات مالتیکول های « هوا » در پایداری ندا رند و شعاع تاثیر آنها هم در مقایسه با اسلحه اگر ضایعات انسانی را در نتیجه تاثیرات اسلحه کیمیاوی پیشرفته در نظر بگیریم به هیچ وجه نمی توان آنرا اسلحه تکتیکی و یا « اسلحه کمتر خطرناک » خواند .

ما یکبار دیگر در ارتباط با استعمال اسلحه کیمیاوی در کشور انقلابی ما در ویتنام و سایر سیالیستی و در دیگر کشور ها استفاده ازین اسلحه را محکوم کرده و آنرا ضد منشور ملل متحد و همه موازین انسانی می دانیم .

«سپین»

مختصصین نظامی کشور

فلیپ یونوسکی، نویسنده امریکایی:

بازگشت

من پس از اینکه سه سال و اندکی را به بیعت خبر نگار «نیو یارک دیلی ورنل» در مسکو گذراندم، حالا باید این سرزمین را ترک کنم و به ایالات متحده آمریکا بازگردم.

همکارانم که از این اصرارهای یافته اند، از من می پرسند: حالا که اینچنین ترک می کنی چنانچه احساس می داری؟ من نمی دانم که به چه چیزی زبانی این احساس را بیرون می کشد؟ به این بازگشت به چنانچه میگویم؟ چنانچه میگویم؟ میتوانم اینگونه سرزمین را به یکایک پاره کنم؟ و ده ها سوال دیگر.

به هر صورت، بنظر من این مدت سخت کوتاه بود. حالیکه در برابر این امر قرار گرفته ام که دو بار به آمریکا، آنهم امریکای پس از کار تشریف برگردم که خوشتر از این فضا نوردانیکه که ماه های زیاد را در فضا می خورم چنانچه گذشتند به پاشند، و توانایی بکار بردن بای های خوشی را از دست داده باشند، احساس میکنم. آنان باید دو باره فرا بگیرند که چگونه به سادگی و بدون دشواری راه بروند.

من، نیز باید از سربیا موزم که چگونه «راه» بروم، وقتیکه میگویم که در اینسن بازگشت احساس فضا - نور دانی که دو باره پس از ماندن مدت زیاد در جوی خارج بسوی زمین روان میشوند، دارم، بنظر هرکمی میالغه آمیز می آید. ولی راستی چنین است.

میتروسم که در این مدت سه سال که اینجا زندگی کرده ام، برخی توانایی های خوشی را از دست داده باشم. برخی عادت ها را که برای زندگی من در ایالات متحده نمیخورد.

مثال میدهم: یکی از این عادت ها را که از دست داده ام، و آنرا هر چه زودتر باید دوباره به دست آورم، وگرنی در اینجا برایم بسیار سنگین تمام خواهد شد، اینست که همیشه باید هنگام راه رفتن در جاده یسی، متوجه کسی یا کسیکه در پشت سرم رواند، باشم.

اینکار را نه فقط شب هنگام بلکه در روزهای روز نیز انجام میدهم.

نمیاید به یک نفر یحکام زیبا، به خصوص هنگام تاریکی یا خیال راحت و بیغمی گردن نمایم یا روی چوکی باغی بنشینم و بپنکی بروم، زیرا اگر اینجا را کردم، این آخرین بپنکی ام برای زمین زیبا خواهد بود، مخصوصا اگر در «تفریحگاه مرکزی نیویارک» باشم.

همچنان باید متوجه کسیکه در دهلیز ایار تمام، پایین و بالا میروم، مثل اینکه اینجا به اساده گی اینجا را انجام میدهند، باشم. این را تجربه تلخ زندگی برایم آموخته است، زیرا چندسال پیش در نیویارک، مردی ناگهانی به ایار تمام مایوروش برد، بکسک زنه را زد و زنی را وادارشان کرد که تا پایس زینه ها برد و استخوان گر دهنش را شکستند.

به اینگونه به تدریج، باید با آرامش ذهنی ام خداحافظی بگویم! آن غریزه های که برای حفظ خودی در این مدت سه سال به خواب رفته بود، باید متوجه سفاکانه دو باره از خواب برخیزند و آماده باشی گردند.

روز دردی که از راه روهای زیر زمینی مسکو، دختری را دیدم که در کنار مردی که کتاب میخواند، نشسته بود. مرد نه فقط کتاب را میخواند بلکه آنرا تو ضیح میداد. این کار را با صدای بلند انجام میداد. در نیویارک هیچ دختری کنار مردی در راه رو زیر زمینی بخصوص مردی که با خود گپ میزدنش نشنید.

ولی این دختر چنین کرد. مردی که در کنارش نشسته بود، با کتابش به او میآورد و صفحه باز را مانند اینکه میوه نایاب را برایش تقدیم میکند، پیش چشمش نشی برد و گفت:

«اینرا بخوان» دختر معلما نه آنرا خواند. مرد با هیجان چپ زده. «خوب؟ خوب؟ چنانچه فکر میکنی؟ شکفت انگیز نیست؟» دختر گفت:

«اینرا بخوان» دختر معلما نه آنرا خواند. مرد با هیجان چپ زده. «خوب؟ خوب؟ چنانچه فکر میکنی؟ شکفت انگیز نیست؟» دختر گفت:

«اینرا بخوان» دختر معلما نه آنرا خواند. مرد با هیجان چپ زده. «خوب؟ خوب؟ چنانچه فکر میکنی؟ شکفت انگیز نیست؟» دختر گفت:

رفته است. نرخ نفت که آنرا انحصارات بصورت ساختگی بلند برده اند، این ۲۰ دلار اضافی مستقیما بچپ آنان می ریزد.

نامه صاحب خانه ام، بار دیگر مرا از عالم آرام و بی-اندوه بیرون برد. در کشوری که باید برای گرم کردن پول پرداخت، اگر نا دار باشید، باید سردی بیشتری را تحمل کنید. سال بار تقریبا میلیون ها امریکایی بین دو قطب انتخاب اقتصادی یکی را بر-

گزیدند. یا پول بیشتر برای غذا پرداخت و یا برای گرم کردن. بنظر شما کدام یک میتواند ترجیح داده شود؟

بخودم هدایت دادم: یادش باشد! اگر یک ماه کرایه عقب افتاد، نامه ای از پولیس محل بر دروازه ام سنجاق خواهد شد و در این بطن انتظار داده خواهد شد که اگر تا طرف دو هفته کرایه را نپردازم، سرما مور صاحب جلویوستکم را به سرک خواهد انداخت.

من نمیخواهم که کالایم را به سر سرک ببینم. پس باید عجله کنم. اگر پولی حاضر ندارم باید دندان طلایی مادرم را بفزدم و آنرا بفروزم.

زیرا هروقت که یادم می آید باکالا و ظرفهایم روی سرک گرفته ام، موی به بدنم راست میشود.

وقتی از این چیزها با دوستان شورویم گپ میزنم، ایشان با شکفتی بمن نگاه میکنند، باید این کار را بکنند.

زیرا در زندگی شان چنین چیزی وجود ندارد و آنان در اینباره حتی فکر هم نمیکند.

در این جا سه ماه گذشت و من یادم رفت که کرایه را - بپردازم. روزی بر دروازه ام تکیه طریقی صورت گرفت. وقتی دروازه را باز کردم، زنی را دیدم که مسوول پاک کاری اینجا بود. با لحن بسیار مودبانه از من پرسید که چرا کرایه را در این مدت سه ماه نپرداخته ام.

خودم تعجب کردم. چرا فراموش شده بود! در حالیکه پول کرایه بسیار ناچیز بود. از او معذرت خواستم و گفتم به زودی خواهم پرداخت. بعد برای اینکه آزارش داده باشم گفتم: «فکر کن پول ندارم که کرایه را بپردازم. مرا اینجا بیرون میکنی؟»

چشمانش گرد گرد شد. «نی! هرگز نی! اگر تو نداری من برایت میدهم!» پس بهتر است خدا حافظ و سلام.

گزارنده به در: صدیق رهجو یادداشت: زما نیکه بر گردانی این نوشته را که سخت برون اثر وارد کرده بود، تمام کردم چشمم به شماره تازه یکی از مجله ها افتاد. عنوان «نتایج کار داوطلبانه سال ۱۹۸۲» جلب توجه نمود. آنرا خواندم

دریغ آمد که این مقاله را با آخرین ارقام چاشنی نزنم در خبر میخوانم: «در کار داوطلبانه به خاطر بزرگداشت از یک صد و دوازدهمین روز تولد

و ۱۰۰۰ میلیون انسان در کارخانه ها، مزارع همگانی و دولتی، حمل و نقل و سایر رشته های اقتصاد ملی شرکت کردند. در نتیجه این کار

۱۱۶ میلیون روبل به دست آمد. این پول به انکشاف و بهتر سازی بیشتر مراکز تربیه طفل و مادر، خدمات طبی و مصیبت زدگان جنگ مصرف خواهد شد».

استایسم هانده بسا را بهاری است که بر همه جا بیدریغ میریزد. چرا چیدلیل دارد؟ آیا ممکن است من قربانی ضربات احساسات غیر عقلانی شده باشم که چنین بیدریغ لب به ستایش گشوده ام؟ آیا اتحاد شوروی که من می شناسم، همان اتحاد شوروی است که مرد مش آنرا میشناسد؟

البته نی. شهر و نه شوروی، شوروی خود را دارو من از خود را. البته در برخی موارد اینگونه هم تطابق نمیکند.

دلیل می آورم. میدانم که من را می آمرانده همست امریکایی که در نظامش این قانون فرمان میراند: هر کسی برای خودش در یو-آنکسی که در آخر خط میماند، از بین میرود!

من مدت سه سال میشو که دیروز ندیده ام و در آخر خط نیوده ام و به همین دلیل عقب آن دق شده ام! ولی حالا که یادم می آید او لین منظره ای که در آنجا با آن برو خواهم شد، جوانی خواهد بود که «خمار به چرتش» انداخته است. دختر جوانی که از شدت

نشه «چرت» میزند و بیکی او را اگر از بین چرت و بیکی «مصنوعی» بیرون بکشید، ترس و جودش را فرامیگیرد. زیرا باز در برابرش همان جهان اندوه بار و تیره که وی سعی کرده بود پاکش نشه از آن فرار کند، قد می افرازد. او به چهره کریمه این جهان، بدون افیون نگریسته نمیتواند.

وقتی خبر می شوم «جوان طبقه متوسط امریکا» که مغزش را بیماری روانی می آزارد و به این بندها که اگر آدم مشهوری را به گلوله ببندد، معروف میشود، جان لینون، یکی از سرانده گان گروه بیتل را میکشد، ناگهان فاصله پنج هزار مایلی در برابر من پدید میشود. خود را در جاده ای می یابم که میلیون ها انسان ریشه های اجتماعی خویش را از دست داده اند و در خلا شناور اند. اینان چون غریق به هر خس و خاشاک برای رستگاری جنگ می اندازند، ولی لحظه به لحظه به لجن آن فرو میروند. این است جامعه بی که آغوش خوفا کش را گشوده است.

سه سال زندگی در اینجا، آن توانایی را که بتوانم بسا سرعت در امریکای یاد شده بر گردم، ازم گرفته است. همانطور که پیشتر گفتم خوشتر از چون فضا نوردی احساس می کنم که ماه ها در فضای خارجی بسر برده باشم.

خود گذری و قشوقه کاری نه تنها صحنه چند فردا را روحیه عالی انسانی است، بلکه مربوط به همه میباشد. نهفته است.

من در جستجوی او لیا نبودم، به جستجوی چیز مهم دیگر - وجود قانون اخلاقی که به طبیعت ثانوی میلیون ها انسان جا معه بدل شده بود، بودم. این امر در جامعه کنونی من در گذشت همین جا معه، خلعت هشتاد و نه گشت شما را افراد غیر عادی

توانمند که با اراده عظیم از خود گذری، حاضر بودند بخت مت انسان قرار بگیرند، بود. برایم شکفتی آورد که این امرعالی اکنون جزء جدا نی ناپذیر خلعت میلیون ها انسان که به نظر ما عادی می آیند، شده بود. اما همان دار که یک داکتر شواتز

در آفریقا، اکنون به میلیون ها انسان شوروی بدل شود؟ به هر صورت این دختر جوان بدو ن اینکه شکفتی از کلامش خوانده شود. برایم گفت: «البته بر گزار روزی تولد لینون دلیل کافی است که یک روز ثمره کار ما را به این امر بزرگ به هم

تولد لینون «بدو ن اینکه یولی» بدست آورند، کار میکنند؟ میداند جواب چنان ساده بود که من با تمام مهارت خیر نگاری بجای خویشی خشک ماندم. برای من که در جنگل سود آوری بزرگ شده بود، باور نکردنی بود. «چرا امروز که رخصتی است بکار آمده اید؟»

یک زن پیر و دختر جوان هر دو گفتند: «زیرا روز تولد لینون است».

آیا همین کافی است که یک روز تمام را بدون مزد کار کرد؟

«بلی، در کنار آن، مایه مردم ویتنام یاری می رسانیم».

ما نند خیرات، این ترجمه فریبده نرو تمندان در برابر نا داران که آثار خود بفرات میبند، بلکه به

حیث اقدام همبستگی طبقه کارگر که خود مدت ها پیش مانند مردم ویتنام رنج کشیده اند و حالا که

تولد لینون «بدو ن اینکه یولی» بدست آورند، کار میکنند؟ میداند جواب چنان ساده بود که من با تمام مهارت خیر نگاری بجای خویشی خشک ماندم. برای من که در جنگل سود آوری بزرگ شده بود، باور نکردنی بود. «چرا امروز که رخصتی است بکار آمده اید؟»

یک زن پیر و دختر جوان هر دو گفتند: «زیرا روز تولد لینون است».

آیا همین کافی است که یک روز تمام را بدون مزد کار کرد؟

«بلی، در کنار آن، مایه مردم ویتنام یاری می رسانیم».

ما نند خیرات، این ترجمه فریبده نرو تمندان در برابر نا داران که آثار خود بفرات میبند، بلکه به

حیث اقدام همبستگی طبقه کارگر که خود مدت ها پیش مانند مردم ویتنام رنج کشیده اند و حالا که

تولد لینون «بدو ن اینکه یولی» بدست آورند، کار میکنند؟ میداند جواب چنان ساده بود که من با تمام مهارت خیر نگاری بجای خویشی خشک ماندم. برای من که در جنگل سود آوری بزرگ شده بود، باور نکردنی بود. «چرا امروز که رخصتی است بکار آمده اید؟»

یک زن پیر و دختر جوان هر دو گفتند: «زیرا روز تولد لینون است».

آیا همین کافی است که یک روز تمام را بدون مزد کار کرد؟

«بلی، در کنار آن، مایه مردم ویتنام یاری می رسانیم».

ما نند خیرات، این ترجمه فریبده نرو تمندان در برابر نا داران که آثار خود بفرات میبند، بلکه به

حیث اقدام همبستگی طبقه کارگر که خود مدت ها پیش مانند مردم ویتنام رنج کشیده اند و حالا که

تولد لینون «بدو ن اینکه یولی» بدست آورند، کار میکنند؟ میداند جواب چنان ساده بود که من با تمام مهارت خیر نگاری بجای خویشی خشک ماندم. برای من که در جنگل سود آوری بزرگ شده بود، باور نکردنی بود. «چرا امروز که رخصتی است بکار آمده اید؟»

یک زن پیر و دختر جوان هر دو گفتند: «زیرا روز تولد لینون است».

آیا همین کافی است که یک روز تمام را بدون مزد کار کرد؟

«بلی، در کنار آن، مایه مردم ویتنام یاری می رسانیم».

تولد لینون «بدو ن اینکه یولی» بدست آورند، کار میکنند؟ میداند جواب چنان ساده بود که من با تمام مهارت خیر نگاری بجای خویشی خشک ماندم. برای من که در جنگل سود آوری بزرگ شده بود، باور نکردنی بود. «چرا امروز که رخصتی است بکار آمده اید؟»

یک زن پیر و دختر جوان هر دو گفتند: «زیرا روز تولد لینون است».

آیا همین کافی است که یک روز تمام را بدون مزد کار کرد؟

«بلی، در کنار آن، مایه مردم ویتنام یاری می رسانیم».

ما نند خیرات، این ترجمه فریبده نرو تمندان در برابر نا داران که آثار خود بفرات میبند، بلکه به

حیث اقدام همبستگی طبقه کارگر که خود مدت ها پیش مانند مردم ویتنام رنج کشیده اند و حالا که

تولد لینون «بدو ن اینکه یولی» بدست آورند، کار میکنند؟ میداند جواب چنان ساده بود که من با تمام مهارت خیر نگاری بجای خویشی خشک ماندم. برای من که در جنگل سود آوری بزرگ شده بود، باور نکردنی بود. «چرا امروز که رخصتی است بکار آمده اید؟»

یک زن پیر و دختر جوان هر دو گفتند: «زیرا روز تولد لینون است».

آیا همین کافی است که یک روز تمام را بدون مزد کار کرد؟

«بلی، در کنار آن، مایه مردم ویتنام یاری می رسانیم».

ما نند خیرات، این ترجمه فریبده نرو تمندان در برابر نا داران که آثار خود بفرات میبند، بلکه به

حیث اقدام همبستگی طبقه کارگر که خود مدت ها پیش مانند مردم ویتنام رنج کشیده اند و حالا که

تولد لینون «بدو ن اینکه یولی» بدست آورند، کار میکنند؟ میداند جواب چنان ساده بود که من با تمام مهارت خیر نگاری بجای خویشی خشک ماندم. برای من که در جنگل سود آوری بزرگ شده بود، باور نکردنی بود. «چرا امروز که رخصتی است بکار آمده اید؟»

یک زن پیر و دختر جوان هر دو گفتند: «زیرا روز تولد لینون است».

آیا همین کافی است که یک روز تمام را بدون مزد کار کرد؟

«بلی، در کنار آن، مایه مردم ویتنام یاری می رسانیم».

ما نند خیرات، این ترجمه فریبده نرو تمندان در برابر نا داران که آثار خود بفرات میبند، بلکه به

حیث اقدام همبستگی طبقه کارگر که خود مدت ها پیش مانند مردم ویتنام رنج کشیده اند و حالا که

تولد لینون «بدو ن اینکه یولی» بدست آورند، کار میکنند؟ میداند جواب چنان ساده بود که من با تمام مهارت خیر نگاری بجای خویشی خشک ماندم. برای من که در جنگل سود آوری بزرگ شده بود، باور نکردنی بود. «چرا امروز که رخصتی است بکار آمده اید؟»

یک زن پیر و دختر جوان هر دو گفتند: «زیرا روز تولد لینون است».

آیا همین کافی است که یک روز تمام را بدون مزد کار کرد؟

«بلی، در کنار آن، مایه مردم ویتنام یاری می رسانیم».

ما نند خیرات، این ترجمه فریبده نرو تمندان در برابر نا داران که آثار خود بفرات میبند، بلکه به

حیث اقدام همبستگی طبقه کارگر که خود مدت ها پیش مانند مردم ویتنام رنج کشیده اند و حالا که

تولد لینون «بدو ن اینکه یولی» بدست آورند، کار میکنند؟ میداند جواب چنان ساده بود که من با تمام مهارت خیر نگاری بجای خویشی خشک ماندم. برای من که در جنگل سود آوری بزرگ شده بود، باور نکردنی بود. «چرا امروز که رخصتی است بکار آمده اید؟»

یک زن پیر و دختر جوان هر دو گفتند: «زیرا روز تولد لینون است».



بروشه کشی قریبی

